

چگونه بعضی تاجران جهان از طریق جنگ به سودهای کلان می‌رسند؟

بجنگید تا ما پولدار شویم!

«بخشی از کتاب «حراج جهان» با عنوان فرعی «داستان پول، قدرت و شرکت‌هایی که بر مناسبات کشورها و سرنوشت ملت‌ها اثر می‌گذارند»

✍ [یاسر نوروزی] خاویر بلاس و جک فارچی، دو تن از شناخته‌شده‌ترین روزنامه‌نگاران جهان هستند که اخبار حوزه نفت، کالا و تجارت را گزارش می‌کنند. هر دو در رسانه‌های بلومبرگ واقع در آمریکا کار می‌کنند. بلاس، سرپرست گزارشگران حوزه انرژی است و فارچی، گزارشگر ارشد حوزه منابع طبیعی. بلاس و فارچی مصاحبه‌های متعددی هم با شخصیت‌های برجسته این حوزه‌ها انجام داده‌اند. این دو نفر برای نخستین بار حساب‌های مالی بسیاری از شرکت‌های مرموز را منتشر کردند. همچنین گزارش‌هایی درباره وضعیت غذا، نفت و جنگ در کشورهایی نظیر قزاقستان، کنگو و لیبی نوشته‌اند. کتاب «حراج جهان» اولین اثر آن‌هاست که بعد از انتشار با استقبال زیادی مواجه شد و ترجمه آن هم از سوی انتشارات «گوتنبرگ» به چاپ رسید. کتاب با ترجمه فاطمه و شهرزاد ذکاوتی قراقرلو، اواخر سال گذشته به چاپ دوم هم رسید و چند فصل دارد. نویسندگان در هر فصل سراغ یکی از حوزه‌های انرژی یا تجارت کالا رفته‌اند. به این ترتیب خواننده در هر فصل می‌تواند از مناظر مختلف ببیند که چگونه رفتارهای سیاسی متفاوت، منجر به سودهای کلان برای تاجران مختلف می‌شود. آنچه در ادامه می‌خوانید از همین کتاب انتخاب شده و درباره اندی هال، یکی از تاجران آمریکایی است؛ اینکه جنگ عراق و کویت چگونه مبالغی کلان برای او به همراه داشت. قابل ذکر است که در ارائه فصل مورد نظر، بخش‌هایی با تلخیص و بازنویسی همراه بوده است تا مطالعه آن برای خوانندگان ساده‌تر باشد.

هیچ‌کس فروشنده نیست!

اندی هال با صدای مردی که ژاپنی صحبت می‌کرد و صدایش از پیغام‌گیر تلفن پخش می‌شد، از خواب پرید. ساعت یک بامداد بود و هال در خانه‌اش در کنتیکت (ناحیه‌ای اعیان نشین که یک ساعت با نیویورک فاصله دارد) در رختخواب بود که تلفن زنگ زد. صدا می‌گفت: «تانک‌های عراقی در شهر کویت!» او با شنیدن خبر کاملاً هوشیار شد. در جایگاه رئیس یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های تجاری نفت جهان، باریسک کردن روی سرمایه و احتمالاً کل حرفه‌اش و با پیش‌بینی افزایش قیمت نفت، میلیون‌ها دلار از پول شرکتش را سرمایه‌گذاری کرده بود. جنگ بین عراق و کویت که تقریباً ۲۰ درصد از ذخایر نفت جهان را در اختیار داشتند، مطمئناً پیش‌بینی او را محقق می‌کرد. فرد پشت خط یکی از زیردستان او در دفتر توکیو بود که می‌بایست وقتی رئیسش می‌خواست، بازار نفت را رصد می‌کرد. هال پرسید: «از بازار چه خبر؟» آن مرد پاسخ داد: «همه خریدارن، هیچ‌کس فروشنده نیست.» هال گوشی را گذاشت. او مردی قدبلند و لاغر بود و همیشه آرامشی داشت شبیه حالت مراقبه ذن و معمولاً احساساتش را نشان نمی‌داد. اما این خبر برای او بسیار بااهمیت بود. در اتفاقی ناگهانی، صدها میلیون دلار سود نصیب شرکت «فیبرو انرژی»، واحد تجارت نفت شرکت برادران فیلیپ می‌شد؛ شرکتی که او اداره می‌کرد.

حمله به امیرنشین کویت

ساعت‌های اولیه دوم اوت ۱۹۹۰ بود که چهار لشکر از گارد ریاست جمهوری عراق (نیروهای نخبه کشور) که مستقیماً تحت فرمان صدام حسین بودند، به کشور کویت، همسایه عراق، حمله کردند. دوازده روز بعد، آن‌ها کنترل امیرنشین کویت را در دست گرفتند. در کمتر از ۴۸ ساعت، صدام حسین کنترل چهارمین ذخایر بزرگ نفت جهان و بخش قابل توجهی از تولیدش را تصاحب کرد. عکس‌العمل شورای امنیت سازمان ملل متحد به تجاوز عراق، تحریم‌های گسترده، شامل تمام کالاها بود. همان‌طور هم که هال پیش‌بینی کرده بود، بازار نفت واکنش نشان داد. صبح اول وقت در نیویورک، قیمت شاخص نفت خام برنت، ۱۵ درصد افزایش یافت و سه ماه بعد، دو برابر شد و به بالای ۴۰ دلار در هر بشکه رسید. این بزرگ‌ترین بحران نفتی از سال ۱۹۷۹ به شمار می‌رفت.

۶۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار سود!

برای «فیبرو انرژی» و اندی هال، جنگ خلیج فارس نعمت بود. در عرض چند هفته، قیمت نفتی که هال روی آن سرمایه‌گذاری کرده بود، سودی بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار به همراه داشت. این تجارتی بود محصول زیرکی و تسلط اطلاعاتی بر بازار و بهره‌گیری از ابزارهای مالی جدید که بار رفته در بازار نفت. «فیبرو انرژی» گزارشی را در آن سال منتشر کرد که نشان می‌داد این شرکت پس از کسر هزینه‌ها، درآمد خیره‌کننده ۲۹۴ میلیون دلار داشته. یکی از دلایل مربوط می‌شد به نوعی قرارداد که از دهه هفتاد به بعد باب شده بود با عنوان «قرارداد آتی کالا». همان‌گونه که از نام این نوع قرارداد پیداست، قراردادی است برای تحویل کالا در مقطع زمانی مشخصی در آینده.

گفت: «ماد دیوانه وار تجارت نفت را آغاز کردیم.»

دستمزد شخصی: بیش از ۱۰۰ میلیون دلار!

ریسک‌پذیری این تاجر جوان بریتانیایی به‌زودی توجه شرکت‌های پیشروی روز را به خود جلب کرد و شرکت‌های «برادران فیلیپ» و «مارک ریچ» تقریباً هم‌زمان به او پیشنهاد



کار دادند. در سال ۱۹۸۲ به «برادران فیلیپ» پیوست و در عرض کمتر از ۵ سال، بخش توزیع نفت آن را اداره می‌کرد که در آن زمان به «فیبرو انرژی» تغییر نام داده بود. در سال ۲۰۰۸ دستمزد شخصی‌اش بیش از ۱۰۰ میلیون دلار بود و به لقب «خدای تجارت» ملقب شده بود. این ثروت از طریق تشخیص و محاسبه دقیق و هشیارانه عوامل سیاسی و اقتصادی به دست می‌آمد که بازار نفت را به حرکت درمی‌آوردند. معامله با ریسک بالا، انتظار کشیدن با اعضای پولادین و بعد از آن رسیدن به سود. ماجرای «قراردادهای آتی» که درباره آن توضیح دادیم در این موضوع بسیار دخیل بود چون هال در سال ۱۹۹۰ می‌توانست یک بشکه نفت بخرد و در همان روز با قیمت مشخصی با استفاده از «قرارداد آتی»، آن را برای ۶ ماه بعد بفروشد.

چرا نفت‌کش اجاره می‌کنی؟

تنها مشکل هال در آن سال‌ها پیدا کردن مکانی برای ذخیره نفت بود. بیشتر مخازن پر شده بودند. بنابراین هال تصمیم گرفت ناوگانی از تانکرهای شناور نفت به نام «حامل نفت خام بسیار بزرگ» یا VLCC اجاره و آن‌ها را به مرکز ذخیره‌سازی نفت شناور تبدیل کند. او به جای اینکه نفت خام را از بندری به بندر دیگر بفرستد، تانکرها را پر می‌کرد و به آن‌ها اجازه می‌داد در دریای آزاد، بدون اقدامی خاص، در بندر پهلو بگیرند و به‌ازای هر روزی که لنگر می‌زدند، هزینه‌ای پرداخت می‌کرد. البته ایده ذخیره‌سازی نفت در دریا کاملاً جدید نبود اما هرگز قبلاً در چنین مقیاسی در قالب بخشی از راهبرد تجاری یک تاجر و به شکل مستقل انجام نشده بود. هال بعد ها گفت: «ما اجاره‌کنندگان بزرگ نفتکش‌های نفت خام بودیم. من به یکی

دلارها کجای روند؟

[فاطمه و شهرزاد ذکاوتی قراقرلو] تاریخ قرن بیست و یکم با نفت درآمیخته است. از حضور پررنگ «هفت خواهران» و تعیین قیمت نفت از سوی آنان (بر خلاف اینکه اقتصاد جهانی به‌ظاهر بر مبنای تجارت آزاد بنا شده) تا برآمدن موج ملی‌گرایی و استعمار زدایی و ناسیونالیسم عربی و تشکیل اوپک و ظهور دولت‌های نفتی، همه و همه، اقتصاد و سیاست و تجارت را تحت تأثیر قرار داده‌اند. اما معامله‌گران چگونه برآمدند؟ ساز و کار معاملات آنان با کشورهای دارای منابع طبیعی چیست؟ تعامل آن‌ها با رژیم‌های حاکم بر این کشورها چگونه بوده؟ تاجران چطور در تاریک‌ترین گوشه‌های سیستم مالی بین‌المللی کار کرده‌اند؟ آیا شرکت‌های تجاری در ماجراجویی‌های کشورهای صاحب دلارهای نفتی، نقش داشته‌اند؟ این پرسش‌ها ذهن هر انسان اندیشمند و کنج‌کار و را به خود مشغول می‌کند و برای یافتن پاسخ باید چندین کتاب را مطالعه کند. کتاب «حراج جهان» به قلم خاویر بلاس و جک فارچی، که داستان پول و قدرت و شرکت‌هایی است که منابع زمین را معامله می‌کنند، مرجع مناسب و یکپارچه‌ای است که می‌تواند به این دغدغه‌های فکری پاسخ دهد؛ آن‌هم پاسخی ساده، شسته و رفته و در عین حال قانع‌کننده که راهگشای بحث‌های جدی و علمی در این زمینه باشد. این کتاب روشن‌نگر نه تنها داستان ظهور معامله‌گران کالا را در نیمه دوم قرن بیستم بیان می‌کند بلکه چشم‌اندازی را از چگونگی عملکرد دنیای مدرن ارائه می‌کند. جهانی که در آن بازار، حرف اول را می‌زند و قدرت غول‌های مالی جهانی بیشتر از برخی سیاست‌مداران منتخب است و گاه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در تعیین آنان نقش داشته.

از دست‌اندرکاران گفتیم: «می‌تونی به حامل بزرگ شناور نفت خام رویه ما اجاره بدی و اونو تا ۶ ماه کنار بندر در حالت بارانداز معطل نگه‌داری؟ اون مرد چیزی شبیه به این جمله گفت که چرا می‌خوای این کار رو انجام بدی؟ من بهش گفتم که این فقط به سؤال بود، می‌تونی یا نه؟ اون هم گفت قطعاً.»

جنگ را شروع کنیم تا نفت بخرم!

به این ترتیب هال نقشه تجاری‌اش را در مقیاسی عظیم اجرایی کرد. او بیش از ۱۲ VLCC اجاره کرد که هر کدام می‌توانستند حدود ۲ میلیون بشکه نفت نگهداری کنند. هال وقتی نفت خام می‌خرد، هم‌زمان قراردادهای آتی را با قیمت گران‌تری می‌فروخت و در واقع سود خود را در همان لحظه قطعی می‌کرد. حالا هم که VLCC خریده بود، باید منتظر بالا رفتن قیمت نفت می‌ماند. او آخر ژوئن صدام به صراحت کویت را به بمبارش بیش از حد نفت خام متهم کرد. بعد هم این کشور را تهدید کرد که موضوع را به هر طریقی شده حل خواهد کرد. چند هفته بعد هم لفاظی‌هایش خصمانه‌تر شد. هال هم در یکی از ایالات ساحلی آمریکانشسته بود و سخنرانی صدام را در نیویورک تایمز می‌خواند. خیلی زود هم به نتیجه رسید که خطر جنگ در خاورمیانه حتمی است و باید دست به کار شود. به همین دلیل خریدهای خود را به شدت افزایش داد. هرچند این نوع معامله چیزی شبیه به قمار بود، چراکه اگر حدسش درست از آب در نمی‌آمد و جنگی شکل نمی‌گرفت، زیان جبران‌ناپذیری می‌کرد.

چطور بدهی‌هایم را بدهیم؟

البته از آنسو، صدام هم به قیمت نفت بالاتر نیاز داشت. در میان تمام اعضای اوپک، تعداد کمی مثل عراق بودند. بغداد به‌تازگی از جنگی طولانی علیه ایران خارج و تقریباً ورشکسته شده بود. این کشور با بازسازی پرهزینه و بازپرداخت حدود ۴۰ میلیارد دلار وام مواجه بود که بخش قابل توجهی از بدهی‌هایش به همسایگانی مانند کویت، عربستان و امارات تعلق داشت. صدام با نفت زیر ۲۰ دلار به‌ازای هر بشکه نمی‌توانست بدهی‌های کشور را پرداخت کند. این وضعیت تا جایی پیش رفته بود که در سال ۱۹۹۰ به دیپلمات‌هایش گفته بود ممکن است مجبور شود پرداخت مستمری به کهنه‌سربازان جنگ با ایران را متوقف کند.

ماشین‌های چاپ پول!

به این ترتیب رویکرد هال درست از آب درآمد و وقایع خلیج فارس به شکل اجتناب‌ناپذیری به سمت جنگ پیش رفت. اول ماه اوت بود که مذاکرات عراق و کویت با میانجیگری عربستان سعودی شکست خورد. کویت از پذیرش فهرست بلندبالای خواسته‌های بغداد خودداری می‌کرد. روز بعد گارد ریاست جمهوری عراق با پشتیبانی ده‌ها بالگرد و تانک از مرز کویت عبور کرد. تانکرهای نفت هال هم‌زمان به ماشین‌های چاپ پول تبدیل می‌شدند. او نفت را در آن زمان کمتر از ۲۰ دلار در هر بشکه خریده بود. سه ماه بعد، با توقف عرضه نفت کویت و عراق به بازار جهانی، نفت با قیمت هر بشکه بیش از ۴۰ دلار معامله شد. در واقع دیدگاه هال درباره افزایش قیمت نفت به‌خوبی جواب داده بود. ۶ ماه بعد سودآوری او به‌شدت بیشتر هم شد. هال می‌گوید: «ما با این جنگ، حدود ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلیون دلار سود کردیم!»

